



سر مقاله

گسترش جغرافیایی تنش

ادامه از صفحه ۱

... به همین اساس، از پیش قابل پیش بینی بود که شاهد تشدید تنش خواهیم بود. روندی که از دو سه روز پیش آغاز شده و امروز با حمله آمریکا به کشتی‌های ایرانی و پاسخ ایران با حمله به ناوهای جنگی آمریکا ادامه یافت.

اهمیت این تحول در آن است که به نظر می‌رسد ایران در این حمله از سلاح‌های جدید ضد کشتی استفاده کرده و از یکی از خطوط فرم آمریکا عبور کرده است؛ چرا که تداوم چنین حملاتی می‌تواند آسیب‌هایی جدی به نیروی دریایی و ناوگان آمریکا وارد کند و حتی به تلفات جانی بینجامد. موضوعی که افکار عمومی آمریکا نسبت به آن حساسیت بالایی دارد. از سوی دیگر، آمریکا نیز علاوه بر حملات پیشین به زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی و نظامی ایران در نوار ساحلی خلیج فارس، از هفته گذشته حمله به کشتی‌های نفتکش ایرانی را آغاز کرده است. این روند نشان می‌دهد واشنگتن نیز در پی تشدید فشار بر تهران است؛ هم با تداوم حملات سابق، هم با هدف قرار دادن زیرساخت‌ها و هم با حمله به کشتی‌های نفتی. تا این‌ها را از صادرات نفت بزرگ ایران، شرایط ایران را به نقطه‌ای رساند که گویی چارهای جز اتخاذ رویکردی تهاجمی برای شکستن این محاصره نداشت. سیاست ایران اکنون بر این محور استوار است که در دردی که به بر اقتصاد جهانی و اقتصاد آمریکا تحمیل می‌شود، تشدید کند.

از این رو افزایش فشار از طریق حمله به ناوهای جنگی آمریکا و اسلند تنگه هرمز، به نظر می‌رسد گسترش جغرافیایی جنگ نیز در دستور کار ایران قرار دارد. در کنار درگیری‌های مرسوم در تنگه هرمز، ایران به کشتی‌ها در اطراف کویت نیز هشدار داده و همزمان شاهد درگیری‌های حوثی‌ها با عربستان هستند. بنابراین، گسترش جغرافیایی جنگ، همراه با تشدید حملات و افزایش دقت آنها و هدف قرار دادن ناوهای آمریکا را در دستور کار محصور ایران قرار دارد و تهران امیدوار است از این طریق بتواند محاصره را بشکند.

نکته درخور توجه این است که در گذشته نیز هرگاه سطح تنش از حدی فراتر رفته، دو طرف خود را برای امتیازگیری در میز مذاکره آماده کرده‌اند. در چارچوب رفتار ترابپ در قالب «دیپلماسی اجبار»، هر بار که دو سطح تنش در افزایش داده، در ادامه به میز مذاکره بازگشته است. توافق اسلام‌آباد نیز زمانی امضا شد که یک روز یکشنبه اسرائیل به ایران حمله کرد و روز چهارشنبه درگیری‌های شدیدی میان ایران و آمریکا رخ داد؛ در پی همین رخدادها بود که توافق اسلام‌آباد به امضا رسید. اگر این الگو را معیار بناییم، می‌توان انتظار داشت که پس از تشدید کنونی تنش‌ها، شاهد نوعی گشایش دیپلماتیک باشیم. خواه در قالب بازگشت به توافق اسلام‌آباد، خواه چیزی مکرر آن یا دور تازه‌ای از مذاکرات. اما زمان دقیق وقوع این گشایش به از رای‌ها و محاسبات ایران و آمریکا، به‌ویژه دولت ترابپ بستگی دارد.

گزینه دوم، در صورتی که دو طرف به میز مذاکره بازنگردند، تداوم تصعيد تنش یا ادامه درگیری‌هاست. هم به شکل عودتی به هم‌فکری، به این معنا که هم شدت درگیری‌ها افزایش یابد و به زیرساخت‌ها کشیده شود و هم دامنه جغرافیایی آن از خلیج فارس به بای‌المنندب یا حوالی اسرائیل گسترش پیدا کند. این احتمال نیز همچنان وجود دارد. به نظر می‌رسد محاسبه طرف ایرانی این است که ترابپ، در آستانه انتخابات زودهنگام میان‌دوره‌ای کنگره در برخی ایالت‌ها، تمایل چندینی به ورود در یک درگیری بی‌نهایت و همه‌جانبه ندارد و می‌کوشد درگیری‌ها را کوتاه‌مدت و محدود نگه دارد. شاید بر پایه همین محاسبه است که جمهوری اسلامی می‌کوشد با تشدید بحران، امتیاز کمتری به ترابپ بدهد. در هر صورت، اگر فرض نخست درست باشد، انتظار می‌رود پس از زد و خوردهای چند روز اخیر، در هفته پیش رو شاهد نوعی بازگشت به میز مذاکره، آغاز مذاکرات یا مباحثات گری دیپلماتیک باشیم؛ روندی که ترابپ بتواند از رهگذر آن هم فضای داخلی آمریکا را حفظ کند و هم امتیازات بیشتری از ایران بگیرد.

دلیل دیگری که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در این مقطع تشدید تنش را در دستور کار خود قرار داده، وضعیت اوراق قرضه خزانه‌داری آمریکا است که طی هفته گذشته افزایش یافته است. این افزایش تنها به اوراق قرضه آمریکا محدود نشده و بازدهی اوراق کشورهای مانند ژاپن و برخی کشورهای اروپایی را نیز دربر گرفته است. با توجه به اهمیت که اوراق قرضه خزانه‌داری در اقتصاد آمریکا دارد، شاید محاسبه ایران این بوده که تشدید تنش در شرایط کنونی می‌تواند این بحران را عمیق‌تر کند؛ تا جایی که اسلکات بستان نیز اعلام کرده آمریکا در سراز اوراق قرضه مداخله خواهد کرد. اینکه این مداخله پاسخ بدهد یا نه، هنوز روشن نیست؛ اما در هر صورت، ایران با توجه به بحران اوراق قرضه‌داری و نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای، کنگره به نظر می‌رسد این زمان را برای تحمیل بیشترین درد ممکن بر آمریکا بزرگ‌دست. اکنون باید دید آیا محاسبات واشنگتن نیز با محاسبات تهران هم‌راست است و آمریکا به‌زودی پرچم سفید نشان خواهد داد یا در چارچوب سیاستی که بستان اعلام کرد، واشنگتن نیز خواهد کوشید تنش را تشدید کند و این درگیری‌ها احتمالاً چند روز دیگر ادامه پیدا کند؟

دکتر حمزه قهرمانپور
پژوهشگر مسائل بین‌الملل
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد

از تنگه هرمز تا باب‌المندب؛ کابوس آمریکا

زندگی اقتصادی مردم آمریکا منتقل کرده است. بازار نفت با پایان سریع بحران بعید است پس‌انداز بازار نیز نشان می‌دهد حتی با کاهش نسبی تنش، بازگشت قبلی به شرایط عادی دشوار خواهد بود. آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده است که بازگشت جریان نفت منطقه به وضعیت عادی ممکن است تا سال ۲۰۲۷ طول بکشد و اختلال عرضه در سال ۲۰۲۶ به چند میلیون بشکه در روز برسد. در چنین شرایطی، هرچه جنگ طولانی‌تر شود، بازار نفت ریسک بیشتری را در قیمت‌ها لحاظ خواهد کرد. اگر تنگه هرمز و باب‌المندب همچنان تحت فشار باقی بمانند، نفت بالای ۱۰۰ دلار می‌تواند از یک جهش مقطعی به یک وضعیت پایدار تر تبدیل شود.

مرحله بعد: جنگ برای آمریکا سخت‌تر می‌شود

معادله آینده منطقه بیش از هر چیز به توان طرف‌ها برای حفظ ابتکار عمل بستگی دارد. ایران با تکیه بر عقب راهبردی، توان موشکی و دریایی و ظرفیت تحمل فشار اقتصادی، تلاش می‌کند هزینه جنگ را برای آمریکا افزایش دهد؛ انصار الله با استفاده از موقعیت یمن، باب‌المندب را به اهرم فشار تبدیل کرده و مقاومت لبنان نیز همچنان یک متغیر مهم در محاسبات امنیتی رژیم صهیونیستی است.

در مقابل، آمریکا باید همزمان هزینه حضور نظامی، امنیت جغرافیایی، قیمت انرژی، تورم و فشار سیاسی داخلی را مدیریت کند. به همین دلیل، مسئله اصلی هر مرحله آینده دیگر این نیست که کدام طرف سلاح بیشتری دارد؛ بلکه این است که کدام طرف می‌تواند هزینه جنگ را بهتر تحمل و هزینه بیشتری به طرف مقابل تحمیل کند.

از این منظر، جنگ وارد مرحله‌ای شده که در آن زمان اروپا به سود واشنگتن عمل نمی‌کند. هر روزی که آمریکا نتواند یک پایان سیاسی روشن برای جنگ ایجاد کند، تنگه هرمز، باب‌المندب و جبهه لبنان می‌تواند به اهرم‌های بیشتری برای افزایش هزینه‌های آن تبدیل شوند؛ و این همان تغییری است که می‌تواند موازنه قدرت منطقه را در مرحله بعد بیش از پیش تحت تأثیر قرار دهد.

می‌تواند به علمی برای استمرار درگیری تبدیل شود.

آمریکا: برتری نظامی، بدون پایان سیاسی
مشکل اصلی واشنگتن در این مرحله آن است که قدرت نظامی فراوان، الزاماً به معنای توانایی تعیین نتیجه سیاسی جنگ نیست. آمریکا می‌تواند ناو، هواپیما و موشک بیشتری وارد منطقه کند، اما هر افزایش حضور نظامی، هزینه لجستیکی و انسانی بیشتری به همراه دارد. آنالیتیک گزارش داده است که ادامه استمرار طولانی مدت نیروهای آمریکایی در منطقه فشار قابل توجهی بر نیروی دریایی و آمادگی عملیاتی آمریکا وارد کرده است. همزمان، آسوشیو پرسی نیز تأکید کرده که با وجود برخی موفقیت‌های نظامی واشنگتن، جنگ همچنان بدون یک مسیر روشن برای پایان سیاسی ادامه دارد. این همان نقطه‌ای است که می‌تواند محاسبات ترابپ را دشوارتر کند؛ ادامه جنگ برای دستیابی به یک پیروزی روشن ضروری است، اما ادامه همین جنگ هزینه‌های اقتصادی و سیاسی را افزایش می‌دهد.

نفت: هزینه مقاومت در برابر جنگ
بازار انرژی اکنون به یکی از مهم‌ترین میدان‌های اثرگذاری تحولات منطقه تبدیل شده است. قیمت نفت یرت پس از رسیدن به نزدیک ۱۱۰ دلار، در محدوده ۱۰۶ دلار قرار گرفت و همچنان حدود ۱۰ درصد بالاتر از یک هفته قبل بود.

این افزایش فقط حاصل یک نگرانی کوتاه‌مدت نیست. کاهش جریان نفت، ناظرانی درباره عبور محموله‌ها از هرمز و تهدیدهای دریایی سرخ باعث شده بازار، ریسک ژئوپلیتیکی پایدارتری را در قیمت نفت لحاظ کند. رویتز نیز از افزایش ابهام درباره حجم واقعی جریان نفت از تنگه هرمز و شکل‌گیری یک «صرف ریسک» پایدار در بازار سخن گفته است.

پایمان این وضعیت برای آمریکا مستقیم است. افزایش قیمت نفت به معنای فشار بیشتر بر بنزین و گازوئیل، حمل‌ونقل، مواد غذایی و تورم است؛ یعنی جنگی که قرار بود با فشار بر ایران پایان یابد، اکنون بخشی از هزینه خود را به

بیش از گذشته نشان می‌دهد. تسلط این نیرو بر مناطق بیشتری از ساحل دریای سرخ و نزدیک شدن به مسیر باب‌المندب، یک واقعیت راهبردی تازه ایجاد کرده است؛ فشار دریایی دیگر تنها در خلیج فارس متمرکز نیست. باب‌المندب در کنار تنگه هرمز، دو گلوگاه مهم تجارت انرژی جهان را شکل می‌دهند. تحولات روزهای اخیر در یمن و کنترل بندر المعاز از سوی انصار الله، نگرانی درباره امنیت مسیرهای صادرات نفت عربستان و عبور کشتی‌ها از دریای سرخ را افزایش داده است. آسوشیو پرسی نیز هشدار داده که گسترش درگیری در این منطقه می‌تواند فشار بیشتری بر بازار نفت وارد کند.

از این منظر، یمن دیگر یک «جبهه فرعی» نیست. انصار الله توانسته است تا کنون به موقعیت جغرافیایی یمن، معادله‌ای ایجاد کند که آمریکا و متحدانش ناچار باشند برای امنیت مسیرهای دریایی هزینه بیشتری بپردازند. اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، واشنگتن با دو مسئله همزمان مواجه خواهد بود: تأمین امنیت تنگه هرمز و مدیریت تهدید در باب‌المندب.

لبنان: حزب الله همچنان یک متغیر تعیین‌کننده

در لبنان نیز نباید تحولات اخیر را صرفاً از زاویه عملیات نظامی رژیم صهیونیستی ارزیابی کرد. حتی اگر تل‌آویو در تحریر برخی مواضع یا زیرساخت‌های حرس‌بانه به موفقیت‌های تاکتیکی دست یافته باشد، مسئله اصلی این است که آیا می‌تواند این دستاوردها را به راحل امنیتی پایدار تبدیل کند یا خیر.

ایجاد یا گسترش منطقه حائل در جنوب لبنان، به معنای پایان مسئله مقاومت نیست؛ بلکه می‌تواند رژیم صهیونیستی را به ضرورت حضور مستمر، عملیات مداوم و تحمل هزینه امنیتی طولانی مدت و روبرو کند. تجربه منطقه نشان داده است که تحریر یک زیرساخت نظامی یا حذف یک جریان مقاومت تفاوت دارد.

به همین دلیل، لبنان همچنان می‌تواند یکی از متغیرهای مهم هر حمله بعدی جنگ باشد؛ به‌ویژه اگر تل‌آویو بخواهد از موفقیت‌های تاکتیکی برای ایجاد یک حضور دائمی در جنوب استفاده کند. در چنین شرایطی، خود حضور نظامی رژیم

اختصاصی پیام آشنا - جنگ در غرب آسیا وارد مرحله‌ای شده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً با تعداد حملات یا میزان خسارت‌های نظامی سنجید. مسئله مهم‌تر، تغییر تدریجی موازنه‌ای است که در آن آمریکا و رژیم صهیونیستی، با وجود بر خورداری از برتری گسترده تسلیحاتی، برای تحمیل یک پایان سیاسی بر جنگ با دشواری فزاینده روبرو هستند. در سوی مقابل، ایران، حزب الله لبنان و انصار الله یمن توانسته‌اند میدان را از یک رویارویی محدود خارج کنند و هزینه‌های جنگ را به حوزه‌های منتقل کنند که برای واشنگتن و متحدانش حساس‌تر است؛ از امنیت نیروها و کشتی‌ها تا انرژی و تجارت و اقتصاد.

ایران: ابتکار عمل در میدان فراسایه
ایران در مرحله کنونی صرفاً در حال تحمل فشار نظامی آمریکا نیست؛ بلکه تلاش کرده است هزینه ادامه جنگ را برای طرف مقابل افزایش دهد. استمرار تهدید علیه منافع آمریکا در منطقه، فشار بر مسیرهای دریایی و حفظ توان پاسخ متقابل، باعث شده واشنگتن برای ادامه عملیات حضور گسترده و پرهزینه‌ای در منطقه داشته باشد.

تحلیل‌های تازه در آمریکا نیز نشان می‌دهد که مسئله واشنگتن فقط چگونگی ادامه جنگ نیست؛ بلکه چگونگی پایان دادن به آن است. آسوشیو پرسی از نبود مسیر روشن برای پایان جنگ سخن گفته و آنالیتیک نیز گزارش داده است که دولت ترابپ خود را برای یک درگیری طولانی‌تر آماده می‌کند؛ موضوعی که فشار عملیاتی بر نیروی دریایی آمریکا را افزایش داده است.

این وضعیت به معنای آن است که ایران نتوانسته بخشی از معادله جنگ را از قدرت آتش آمریکا به «قدرت تحمل و تحمیل هزینه» منتقل کند. در چنین جنگی، هر روز ادامه درگیری برای واشنگتن الزاماً به معنای نزدیک‌تر شدن به پیروزی نیست و می‌تواند هزینه‌های بیشتری ایجاد کند.

یمن: باز شدن جبهه دوم فشار
قدرت انصار الله در یمن اکنون اهمیت خود را

«القاصی مهر» فرمانده انتظامی البرز شد

کشف شده است.

هلاوت در حوزه مقابله با جرائم اقتصادی نیز از کشف ۱۷ میلیون قلم کالای قاچاق به ارزش پنج همت و تشکیل سه هزار و ۶۲۳ پرونده خبر داد که در جریان آنها چهار هزار و ۲۱۶ متهم دستگیر شدند. در حوزه جرائم سایبری نیز پنج هزار و ۱۶۵ میلیارد ریال از وجوه کلاهبرداری‌شده به مالباختگان بازگردانده شده و ۲۵۵ نفر از متهمان اصلی پاندهای کلاهبرداری سایبری دستگیر شدند.

البرز در صدر پیشگیری از تلفات تصادفات
فرمانده پیشین انتظامی البرز همچنین اعلام کرد که با استنات طی چهار سال گذشته در زمینه پیشگیری از فوتی‌های ناشی از تصادفات رتبه نخست کشور را داشته است.

هلاوت در بخش دیگری از گزارش خود از برگزاری ۱۱۷ جلسه ملاقات مردمی و دیدار چهارمیه‌چهره نزدیک به ۳۰ هزار و ۲۷۰ شهروند با مسئولان انتظامی خبر داد. همچنین توسعه زیرساخت‌های انتظامی، احداث ۱۰ مرکز انتظامی با زیربنای بیش از ۱۲ هزار مترمربع و احداث ۱۸ دهک‌زمین به مساحت حدود ۴۹۶ هزار و ۵۰۰ مترمربع و بازسازی ۱۰۰ آسپیدینه از جنگ از دیگر اقدامات اعلام‌شده بود. در پایان مراسم، از خدمات حمید هلاوت در دوران مسئولیت وی قدردانی و سرتپ دوم دلاور القاصی مهر بعنوان فرمانده جدید انتظامی البرز معرفی شد.



همچنین ۵۳۱ باند مرتبط با سرقت از اماکن، داخل خودرو و جیب‌بری منهدم و اعضای آنها به بیش از ۱۲ هزار و ۷۰۰ فقره سرقت اعتراف کرده‌اند. در حوزه سرقت خودرو نیز ۳۷ باند منهدم و بیش از ۵۴۴ فقره سرقت کشف شده است. اجرای ۲۰ مرحله طرح «کشف» برای برخورد با سارقان و مالخران نیز از دیگر اقدامات اعلام‌شده بود.

کشف بیش از ۲۰ تن مواد مخدر
فرمانده پیشین انتظامی البرز همچنین از اهدام ۱۰۷ باند مخدر طی چهار سال گذشته خبر داد و گفت: در این مدت یک هزار و ۲۹۸ قاچاقچی و ۲۱ هزار و ۷۹۹ خرده‌فروش دستگیر شدند. همچنین ۳۹ هزار و ۲۲۴ معات و ۲۷ هزار و ۶۱۹ معات متجاوز دستگیر و بیش از ۳۰ تن مواد مخدر

طی مراسمی با حضور جانشین فرمانده کل انتظامی کشور، سرتپ دوم دلاور القاصی مهر بعنوان فرمانده جدید انتظامی استان البرز معرفی و از خدمات سرتپ دوم حمید هلاوت، فرمانده پیشین انتظامی استان، قدردانی شد.

به گزارش پیام آشنا، القاصی مهر در این مراسم با اشاره به گستردگی مأموریت‌های نیروی انتظامی اظهار کرد: پلیس بیش از ۱۲۰ مأموریت را در نظام جمهوری اسلامی دنبال می‌کند و برنامه‌های انتظامی باید متناسب با این مأموریت‌ها تعریف اجرا و به‌صورت مستمر ارزیابی شود.

فرمانده انتظامی البرز سردمداری، رعایت حقوق شهروندی و دفاع از حقوق مردم را از اولویت‌های خود عنوان کرد و گفت: مردم، پلیس را خادم و خدمتگزار خود می‌دانند و انتظار دارند این مجموعه در کنار برقراری نظم و امنیت، با رویکردی مسئولانه و مردم‌محور به مطالبات آن‌ها توجه کند. او با تأکید بر برخورد قاطع با مجرمان و هنجارشکنان افزود: پلیس در برابر نهب‌کاران، رانان واپس، قاچاقچیان مواد مخدر، سارقان و افرادی که موجب اختلال در نظم و امنیت جامعه می‌شوند، با اقتدار عمل خواهد کرد. به گفته القاصی مهر، حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و صیانت از ارزش‌های جامعه اسلامی نیز از دیگر محورهای فعالیت انتظامی استان خواهد بود.

القاصی مهر در عین حال تأکید کرد که اقتدار پلیس به معنای فاصله گرفتن از مردم نیست و افزود: